



قراءت

سوره انعام؛ آیات ۱۵۸ تا آخر سوره

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِ رَبُّكَ أَوْ
 يَأْتِ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ
 نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي
 إِيْمَانِهَا حَيْرًا ۗ قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴿٥٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ
 فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ
 إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٥٩﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ
 فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا
 مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٠﴾ قُلِ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى
 صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ
 مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٦١﴾ قُلِ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ
 وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ ۗ وَبِذَلِكَ
 أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿٦٣﴾ قُلِ أَعْيَرَ اللَّهُ أَبْعَى رَبًّا وَهُوَ
 رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ ۗ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا
 وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ۗ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ
 فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٦٤﴾ وَهُوَ الَّذِي
 جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ
 دَرَجَاتٍ لِيُبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ ۗ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ
 وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٦٥﴾

آیا [کافران پس از آن همه حجت‌های روشن] جز این انتظار دارند که فرشتگان به سوبشان بیایند، یا پروردگارت بیاید، یا پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت بیاید؟ [اما روزی که پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت [پدید] آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا در مدت ایمان خویش، عمل نیکی انجام نداده است، ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد.

بگو: «در انتظار [آن روز] باشید که ما [هم] منتظریم.» ﴿۱۵۸﴾

کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند، تو هیچ پیوندی با آنها نداری [و مسئول ایشان نیستی]، کارشان فقط با خداست. آن گاه به آنچه انجام می‌دادند، آگاهشان خواهد کرد. ﴿۱۵۹﴾

هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت و هر کس کار بدی بیاورد، جز مانند آن جزا نیابد و بر آنان ستم نرود. ﴿۱۶۰﴾

بگو: «آری! پروردگارم مرا به راهی استوار هدایت کرده است؛ دینی پایدار، آیین ابراهیم؛ همان که حق‌گرا بود و در زمره مشرکان نبود.» ﴿۱۶۱﴾

بگو: «در حقیقت، نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است. ﴿۱۶۲﴾

[که] او اشریکی نیست، و بدین [قرار و اعتقاد] دستور یافته‌ام، و من نخستین مسلمانم.» ﴿۱۶۳﴾

بگو: «آیا جز خدا پروردگاری بجوییم؟ با اینکه او پروردگار هر چیزی است، و هیچ کس کاری نمی‌کند، مگر اینکه بر دوش خودش خواهد بود، و هیچ باربرداری بار [گناه] دیگری را بر دوش نمی‌کشد. سپس بازگشت شما به سوی پروردگارتان خواهد بود و او شما را به آنچه در آن اختلاف می‌کردید، آگاه خواهد کرد. ﴿۱۶۴﴾

و اوست کسی که شما را در زمین جانشین قرار داد، و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد، تا شما را به وسیله آنچه در اختیارتان قرار داده بیازماید. به یقین، پروردگار تو به سرعت کیفر می‌دهد، و [هم] او بس آمرزنده مهربان است. ﴿۱۶۵﴾

توحید و سبک زندگی

بر آستان جانان گر سر توان نهادن گلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد^۱

وقتی برای خرید یک کالا به بازار می‌رویم، معمولاً با رسیدن به اولین مغازه و دیدن اولین نمونه دست به خرید نمی‌زنیم، بلکه با جست‌وجو، بهترین‌ها را انتخاب می‌کنیم. امروزه در بازار سبک زندگی، سبک‌های گوناگونی از زیستن تبلیغ می‌شود که ما باید از میان آنها بهترین را انتخاب کنیم. انتخاب هر یک از این سبک‌ها، مسیر زندگی ما را تغییر می‌دهد و سرنوشت دنیا و آخرت ما را رقم می‌زند. وقتی برای خرید یک کالا، آن‌چنان دقت و حساسیتی به خرج می‌دهیم، پس باید این انتخاب مهم بر اساس فکر و به‌دور از احساسات باشد و دلیلی محکم و عقل‌پسند از آن حمایت کند. خوب است بدانیم که هر سبکی از زندگی، ریشه در اندیشه‌های خاصی داشته و از جهان‌بینی ویژه‌ای سرچشمه می‌گیرد. شناخت آن ریشه‌ها کمک فراوانی به تصمیم‌گیری درست ما خواهد کرد. «زندگی توحیدی» نیز شیوه‌ای از زندگی است که ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد و در درس‌های گذشته تا حدودی با این جهان‌بینی آشنا شدیم.

در این درس می‌خواهیم به این پرسش پاسخ دهیم که ایمان به خداوند، به عنوان خالق و پروردگار جهان، چه سبکی از زندگی را به دنبال می‌آورد و در مقابل آن کدام سبک از زندگی قرار می‌گیرد؟

۱- غزلیات، حافظ، غزل شماره ۱۵۴.

یادآوری

در پایه دهم، این اصل کلی را آموختیم که افکار و اعتقادات هر فرد مهم ترین عامل در تعیین هدف‌ها و رفتارهای اوست؛ مثلاً اگر کسی پذیرفت و ایمان پیدا کرد که سعادت بشر در کسب ثروت است و انسان فقط با لذات مادی خوشبخت می‌شود، به‌طور طبیعی، زندگی خود را صرف رسیدن به همین هدف می‌کند. یا اگر کسی چنین اندیشید و واقعاً معتقد شد که دانش و آگاهی، بزرگ‌ترین کمال انسان است و هیچ امر دیگری با آن قابل مقایسه نیست، عمر خود را به کسب علم خواهد گذراند و در همین راه تلاش خواهد کرد.

پس هر فردی متناسب با اعتقادات خویش، مسیر زندگی خود را انتخاب و بر همان اساس رفتار خواهد کرد.

بازتاب توحید در زندگی



با توجه به اصل فوق می‌توانیم بگوییم انسانی که خداوند را به‌عنوان تنها خالق جهان پذیرفته است و ایمان دارد که او پروردگار هستی است، رفتاری متناسب با این اعتقاد خواهد داشت و جهت زندگی خود را خدا قرار خواهد داد. چنین انسانی در مسیر «توحید عملی» حرکت می‌کند؛ به‌عنوان مثال، می‌توانیم از جعفر بن ابی طالب یاد کنیم که در حضور «نجاشی»، پادشاه حبشه، اثرات پذیرش این اعتقاد را، این‌گونه توصیف کرد:

«ما قبلاً قومی جاهل بودیم، بت می‌پرستیدیم، مردار می‌خوردیم، مرتکب زشتی‌ها می‌شدیم، پیوند خویشاوندی را قطع می‌کردیم، بی‌پناه را پناه نمی‌دادیم و قوی، ضعیف را می‌بلعید. این چنین بودیم تا اینکه خداوند از میان ما پیامبری مبعوث فرمود که خانواده‌اش را می‌شناسیم و به صداقت و امانت‌داری و عفتش ایمان داریم.

پیامبر، ما را به خدا فراخواند که او را یگانه بدانیم، عبادت کنیم و آنچه را که خود و پدرانمان می‌پرستیدیم کنار بگذاریم، چیزی را شریک او قرار ندهیم، او ما را به عدل، احسان، راستی، درستی، امانت‌داری و نیکی نسبت به خویشان و همسایگان دعوت کرد و از خوردن مال یتیم و ارتکاب فحشا

و منکر و دروغ نپی کرد و دستور داد نماز را به پا داریم، زکات بپردازیم و ماه رمضان را روزه بگیریم، ما نیز او را تصدیق کرده و به او ایمان آوردیم و از او پیروی کردیم.»^۱

البته، از آنجا که ایمان همه افراد یکسان نیست و دارای شدت و ضعف است، میزان تأثیر گذاری این اعتقاد بستگی به درجه ایمان افراد به توحید و یکتاپرستی دارد. هرچه ایمان قوی تر باشد تأثیر عملی آن در زندگی بیشتر و هرچه ضعیف تر باشد تأثیر آن کمتر خواهد بود. با این معیار، هر کس می تواند درجه ایمان خود و تأثیر آن را در زندگی خویش بررسی کند.

تدبّر در قرآن (۱)

پس از ترجمه آیه زیر، با تدبّر در آن به سؤالات پاسخ دهید:

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ

فَاعْبُدُوهُ

هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ^۲

۱- چرا تنها خداوند را باید عبادت کرد؟

۲- چرا خداوند بندگی خود را، راه راست و درست زندگی بیان کرده است؟

توحید عملی دارای دو بعد فردی و اجتماعی است که به تبیین هر یک می پردازیم:

الف) بعد فردی توحید عملی و ثمرات آن: هرکسی در زندگی خود از فرمان های خدا اطاعت کند، گام در مسیر توحید عملی گذاشته است. چنین فردی می کوشد تمایلات درونی و تصمیم ها و فعالیت های خود را در جهت خواست و رضایت الهی قرار دهد؛ مثلاً در انتخاب همسر، شغل، دوست، در چگونگی تحصیل، تفریح، ورزش و حتی در انتخاب نوع پوشش و به طور کلی در تمام برنامه های روزانه خود خدا را در نظر می گیرد و تلاش می کند از دایره فرمان های او خارج نشود.

برای یک انسان موحد جهان معنای خاص خود را دارد. از نظر او هیچ حادثه ای در عالم بی حکمت نیست، گرچه حکمت آن را نداند. از همین رو موحد واقعی همواره انسانی امیدوار است. در مقابل سختی ها و مشکلات، صبور و استوار است و آنها را زمینه موفقیت های آینده اش قرار می دهد. باور دارد که دشواری های زندگی نشانه بی مهری خداوند نیست، بلکه بستری برای رشد و شکوفایی اوست.

۱- سیره النبی، ابن هشام، به تحقیق شیخ محمود طهطاوی، ج ۱، صص ۳۰۸-۳۰۴.

۲- سوره آل عمران، آیه ۵۱.

که هر چه بر سر ما می‌رود ارادت اوست

سر ارادت ما و آستان حضرت دوست

نهادم آینه‌ها در مقابل رخ دوست^۱

نظیر دوست ندیدم، اگر چه از مه و مهر

انسان موحد، چون زندگی خود را بر اساس رضایت خداوند تنظیم کرده و پیرو فرمان‌های اوست، شخصیتی ثابت و پایدار دارد و برخوردار از آرامش روحی است.

انسان موحد موجودات جهان را مخلوق خدا می‌بیند و می‌داند که خداوند او را در برابرشان مسئول قرار داده است. همچنین بدن خود را امانتی الهی می‌شمارد که خداوند به او سپرده است؛ بنابراین می‌داند که حق ندارد به آن آسیب برساند، همچنان که حق ندارد سلامتی دیگران را به خطر اندازد. بر همین اساس امام علی علیه السلام به مردم زمان خود و همه مردمی که به خدا ایمان دارند می‌فرماید:

«تقوای الهی پیشه کنید؛ هم در مورد بندگان خدا، هم در مورد شهرها و آبادی‌ها؛ چرا که شما در برابر همه اینها حتی سرزمین‌ها و چهارپایان مسئولید. خدا را اطاعت کنید و از عصیان او پرهیزید.»^۲

انسان موحد حتی به حیوانات نیز آسیب نمی‌رساند بلکه به ادامه بقا و زندگی آنها کمک می‌کند.

خود ارزیابی

با تفکر در رفتارهای خود، بررسی کنید که تا چه اندازه ویژگی‌های توحید فردی در شما وجود دارد.

در مقابل، اگر کسی دل به هوای نفس (بت درون) سپرده و او را معبود خود قرار دهد و اوامرش را به فرمان‌های خداوند ترجیح دهد یا در پی کسب رضایت قدرت‌های مادی و طاغوت‌ها (بت‌های بیرون) برآید، چنین شخصی گرفتار شرک عملی شده است.

أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ آیا دیدی آن کسی را که هوای نفس خود را معبود خود گرفت،
أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا^۳ آیا تو می‌توانی ضامن او باشی [و به دفاع از او برخیزی]؟

۱- دیوان حافظ، غزل شماره ۵۸.

۲- نهج البلاغه، بخشی از خطبه ۱۶۷.

۳- سوره فرقان، آیه ۴۳.

تسلیم بودن در برابر امیال نفسانی و فرمان‌پذیری از طاغوت باعث می‌شود شخص، درونی ناآرام و شخصیتی ناپایدار داشته باشد؛ زیرا از یک سو هوای نفس وی هر روز خواسته جدیدی جلوی روی او قرار می‌دهد و از سوی دیگر، قدرت‌های مادی که هر روز رنگ عوض می‌کنند او را به بردگی جدیدی می‌کشانند.

تدبیر در قرآن (۲)

با توجه به آیه زیر به سؤالات پاسخ دهید :

از مردم کسی هست که خدا را بر یک جانب و کناره‌ای [تنها به زبان و هنگام وسعت و آسودگی] عبادت و بندگی می‌کند،

پس اگر خیری به او رسد، دلش به آن آرام می‌گیرد و اگر بلایی به او رسد، از خدا رویگردان می‌شود. او در دنیا و آخرت، [هر دو]، زیان می‌بیند. این همان زیان آشکار است.

فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ
وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ
خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ
ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ^۲

۱- پرستشی که از روی ایمان باشد با پرستشی که از روی تردید باشد چه تفاوتی دارد؟

۲- چرا برخی انسان‌ها در برابر هر خیر و شری که به آنها می‌رسد دو روش متفاوت پیش

می‌گیرند؟

ب) بُعد اجتماعی توحید عملی و ثمرات آن : بُعد اجتماعی توحید به معنای قرار گرفتن همه

نهادهای و ارکان یک جامعه یا نظام اجتماعی در جهت خداوند و اطاعت همه جانبه از اوست. مهم‌ترین رکن یک جامعه حکومت آن است. وقتی یک جامعه توحیدی است که حاکم آن براساس قوانین الهی به حکومت رسیده باشد و همان شرایطی را که خداوند برای حاکم تعیین کرده است دارا باشد و بکوشد قوانین الهی را در جامعه به اجرا درآورد.

۱- کلمه (حرف) به معنای طرف، لبه، جانب و کناره هر چیزی است. «علی حرف» اشاره به این دارد که بعضی از مردم برطرف و کناره دین و ایمان ایستاده‌اند و در متن ایمان و اسلام قرار ندارند؛ روشن است کسانی که در لبه چیزی قرار گرفته‌اند در آن چیز مستقر و با بر جا نیستند و با تکان مختصری از مسیر خارج می‌شوند. عبادت افراد مورد نظر مقطعی است، نه همیشگی؛ وقتی خیری به آنها می‌رسد عابدند و هنگامی که شری به آنها می‌رسد، از خدا رویگردان می‌شوند.

۲- سوره حج، آیه ۱۱.

یک جامعه، علاوه بر رکن سیاسی، دارای ارکان دیگری مانند اقتصاد و فرهنگ نیز هست. جامعه‌ای که در مسیر توحید اجتماعی حرکت می‌کند، اقتصاد و فرهنگ و سایر ابعاد و ارکان آن نیز به سوی اجرای فرمان‌های خدای یگانه پیش می‌رود و به صورت جامعه‌ای عدالت‌گستر درمی‌آید. جامعه توحیدی جامعه‌ای است که از تفرقه و تضاد دوری می‌کند و به سوی وحدت و هماهنگی حرکت می‌نماید و این وحدت و هماهنگی را با تمسک به توحید و یکتاپرستی و قرار گرفتن در سایه حکومت الهی می‌توان به دست آورد، نه با تمسک به ظالمان و حکومت‌های غیر الهی.

جامعه توحیدی، حکومت کسانی را که خداوند به آنها حق حکومت کردن را نداده است نمی‌پذیرد، با آنان که با خداوند و مسلمانان دشمنی می‌ورزند، دوستی نمی‌کند، با ظالمان مبارزه می‌کند، بنابه فرمان خداوند، از محرومان و مستضعفان حمایت می‌کند و به این سخن خداوند گوش فرامی‌دهد که فرموده است:

.....

 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ

ثَلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ
 وَ قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ...^۱ **حال آنکه آنان به دین حقی که برای شما آمده است، کفر ورزیده‌اند...**

ارتباط دوسویه توحید فردی و اجتماعی

میان بُعد فردی و بُعد اجتماعی توحید رابطه متقابل وجود دارد. هر قدر که مردم یک جامعه به سوی توحید حرکت کنند ارکان جامعه نیز بیشتر رنگ توحیدی به خود می‌گیرد؛ همان‌طور که هر قدر نهادهای اجتماعی در خدمت اجرای قوانین الهی باشد، زمینه برای رشد انسان‌ها و حرکت به سوی خداوند و زندگی موحدانه آسان‌تر می‌گردد.

از این رو، اگر قرار باشد همه فقط خواسته‌ها و تمایلات دنیوی خود را دنبال کنند و تنها منافع خود را محور فعالیت اجتماعی قرار دهند و اهل ایثار و تعاون و خیر رساندن به دیگران نباشند، تفرقه و تضاد جامعه را فرا می‌گیرد و امکان رشد و تعالی از بین می‌رود. در چنین جامعه‌ای، روز به روز انسان‌های ستمگر قدرت بیشتری پیدا می‌کنند و دیگران را در خدمت امیال خود به کار می‌گیرند. در نتیجه، دیگر سخنی از حاکمیت خداوند و فرمان‌های او نیست، بلکه سخن از حاکمیت طاغوت و دستورهای اوست.^۲

۱- سوره متحنه، آیه ۱.

۲- مجموعه آثار، شهید مطهری، ج ۲، صص ۱۱۷-۱۱۰.

ممکن است کسی بپرسد: چرا با وجود آنکه کشور ما براساس قوانین اسلامی اداره می‌شود در ابعاد مختلف اقتصادی و فرهنگی با معیارهای جامعه توحیدی فاصله دارد؟
 برای دریافت پاسخ این سؤال به وبگاه گروه قرآن و معارف اسلامی به نشانی <http://quran-dept.talif.sch.ir>
 بخش «دانش تکمیلی»، مراجعه کنید.

توحید و شرک در جهان امروز

توحید، روح و محور زندگی دینی و شرک روح و محور زندگی ضد دینی است. تا اینجا مراتب و ابعاد توحید و شرک را شناخته‌ایم. اکنون می‌خواهیم بینیم زندگی انسان عصر حاضر تا چه اندازه توحیدی است و کدام یک از مراتب توحید در آن بیشتر مورد غفلت قرار گرفته است. منظور ما از انسان عصر حاضر تمام افراد جامعه نیست، بلکه جو حاکم بر اکثریت افراد است، نه تک تک افراد. می‌دانیم که جوامع بشری، امروز از نظر صنعت و فناوری پیشرفت فراوانی کرده‌اند و این جوامع را نمی‌توان از این جهت با جوامع گذشته مقایسه کرد. همچنین انسان امروز کمتر از بت پرستان قبل از اسلام، که بیش از ۳۶۰ بت را می‌پرستیدند^۱، به دنبال این قبیل بت پرستی‌هاست.

بنابراین، جای طرح این سؤال هست که آیا انسان و جوامع بشری به سوی زندگی توحیدی حرکت می‌کنند؟ در ابتدا به نظر می‌رسد که امروزه کمتر کسی گرفتار شرک باشد و از این جهت نیز بشر در مسیر پیشرفت می‌باشد، اما یک واقعیت تلخ در اینجا وجود دارد و آن این است که گرچه شرک در قالب بت و مانند آن در میان بیشتر جوامع امروزی وجود ندارد، اما انواع دیگری از شرک که بسیار پیچیده‌تر از شرک قدیم است، در میان بشر به چشم می‌خورد که خوب است به آنها توجه کنیم و برای دوری از آنها تلاش نماییم؛ از جمله اینکه:

۱- امروزه، بسیاری از انسان‌ها، جهان خلقت را ملک خود تلقی می‌کنند و بدون توجه به نظر مالک حقیقی آن، یعنی خدا، هرگونه که بخواهند در این جهان تصرف می‌کنند. این افراد و جوامع، در واقع خود را مالک و ولی و پرورش‌دهنده (رب) جهان می‌پندارند که از جمله پیامدهای آن تخریب محیط‌زیست، آلوده شدن طبیعت، پیدا شدن جوامع بسیار فقیر در کنار جوامع بسیار ثروتمند و مانند آنهاست. برخی از این انسان‌ها، مانند فرعون که «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى»^۲

۱- تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت، علی دوانی، ص ۱۷.

۲- سوره نازعات، آیه ۲۴.

می‌گفت و خود را پروردگار بزرگ مردم معرفی می‌کرد؛ خود را مالک دیگر جوامع می‌پندارند و برای آنها تصمیم‌گیری می‌کنند.

۲- بسیاری از انسان‌ها چنان به امور دنیوی سرگرم شده‌اند که خدا را فراموش کرده و خداوند در قلب آنها جایگاهی ندارد. زینت دنیا و لذات و شهوات چنان در دلشان فزونی یافته که جایی برای خلوتِ انس با خدا و درک معنویت‌نمایش با پروردگار باقی نگذاشته است. گویی هوی و هوس و آنچه و آن کس که آنان را به هوس‌هایشان می‌رساند، بت و معبودشان شده و آنها را همچون خدا می‌پرستند؛ و از ابزارهای جدید مانند سینما، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و سایر رسانه‌ها در این راه بهره می‌گیرند و یکسره از خدا و آخرت غافل شده‌اند.

به نظر شما وظیفه ما در مقابل وضع موجود چیست و چگونه می‌توانیم به اصلاح جامعه امروزی اقدام کنیم؟

تحلیل و بررسی

- درباره این سؤال‌ها فکر کنید و در صورت نیاز با دبیر خود مشورت کرده و پاسخی برای هریک تهیه نمایید؛ سپس نتیجه تحلیل و بررسی خود را در کلاس ارائه کنید.
- آیا به طور کلی انسان امروزی بیش از گذشته به یاد خداست؟
 - آیا مردم در انتخاب نوع پوشش، غذا، تفریح، مشاهده فیلم، مطالعه کتاب، ورود به سایت‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی حلال و حرام الهی را مراعات می‌کنند؟
 - آیا بشر امروز اصولاً به دنبال یادگیری تکالیف الهی خود است؟
 - الگوهای بشر امروزی چگونه‌اند؟ آیا الگوهایی هستند که سبک زندگی آنها موردپسند و رضایت خداوند باشد؟
 - به نظر شما چگونه می‌توان مظاهر شرک را از جامعه دور کرد و مظاهر توحید را تقویت نمود؟

آیا می‌توان تنها به جنبه فردی توحید عملی معتقد بود ولی جنبه اجتماعی آن را قبول نداشت؟